

در مورد آسیا، رشد واردات ژاپن و تقویت یمن و رشد قابل ملاحظه صادرات و واردات کالا در چین از دلایل رشد تجارت در این منطقه است. در منطقه آمریکای شمالی در سال ۲۰۰۰، ارزش واردات کالا ۱۷/۸ درصد رشد داشت که بیش از رشد واردات جهانی کالا (۱۲/۵ درصد) و همچنین بیش از رشد صادرات کالایی منطقه (۱۳/۴ درصد) بود. سهم این منطقه در واردات جهانی کالا به ۲۳ درصد یعنی بالاترین سطح در قرن گذشته رسید. البته علی‌رغم رشد صادرات کالایی در این منطقه، خالص صادرات (تفاوت ارزش صادرات و واردات کالا، هر دو به قیمت‌های فوب) بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار بود. این رقم کسری برای آمریکا، ۴۵۰ میلیارد دلار یعنی رقمی بیش از کل صادرات کالاها و خدمات آمریکای لاتین و یا کل ارزش صادرات کالایی دو منطقه خاورمیانه و آفریقا بود. طی سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۰، چین و مکزیک، بالاترین رشد سالانه را در صادرات و واردات کالا (حدود ۱۵ درصد) یعنی بیش از دو برابر رشد جهانی در این دوره را ثبت کردند. طی این دوره، مائز، فیلیپین و مجارستان هم رشد بالای ۱۰ درصد را در صادرات و واردات داشتند.

تجارت خدمات

در سال ۲۰۰۰، حدود ۴۹ درصد تجارت جهانی خدمات به هفت کشور صنعتی پیشرفته اختصاص داشت. آمریکا به تنهایی ۲۰ درصد صادرات جهانی خدمات را دارا بود. تقریباً کلیه مناطق رشد مثبتی را در صادرات و واردات خدمات داشتند بجز اروپای غربی که عمدتاً به دلیل کاهش ارزش یورو نرخهای رشد منفی را تجربه کرد. البته ارزش صادرات و واردات این منطقه به یورو دارای رشدی به ترتیب معادل ۱۳/۵ و ۱۴/۵ درصد بود. افزایش قیمت‌های خدمات حمل‌ونقل، از دلایلی بود که به گسترش خدمات تجاری منجر شد.

مناطق آمریکای شمالی و آمریکای لاتین از رشدهای دورقمی ۱۰ و ۱۳ درصد در تجارت خدمات برخوردار بودند. منطقه آمریکای شمالی و آمریکا، مازاد تجاری به ترتیب معادل ۷۰ و ۷۵ میلیارد دلار داشتند.

صادرات خدمات در آسیا با سهم بالغ بر ۲۰ درصد صادرات جهانی خدمات، ۱۳ درصد رشد داشت که سه کشور ژاپن، هنگ‌کنگ و چین نقش عمده داشتند. واردات خدمات ژاپن معادل یک

سال ۲۰۰۰، جهان شاهد بالاترین رشد در تجارت و تولید در مقایسه با دهه ۹۰ بود. متوسط رشد سالانه حجم صادرات جهانی کالا و تولید ناخالص داخلی (GDP) در فاصله سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۰ به ترتیب ۶/۸ و ۲/۳ درصد بود. این ارقام برای سال ۲۰۰۰ به ترتیب ۱۲ و ۲ درصد بود.

در سال ۲۰۰۰، ارزش کل صادرات کالاها و خدمات جهانی به ۷/۶ تریلیون دلار رسید که ۶/۲ تریلیون دلار به صادرات کالاها و ۱/۴ تریلیون دلار به صادرات خدمات اختصاص داشت. متوسط رشد سالانه ارزش صادرات کالاها و خدمات طی سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۰ به میزان یکسان ۶ درصد بود. در سال ۲۰۰۰، ارزش صادرات جهانی کالاها و خدمات به ترتیب رشدی معادل ۱۲/۵ و ۵ درصد داشت که برای دومین بار پس از سال ۱۹۹۹، جهان رشد بالاتری را در صادرات کالاها نسبت به صادرات خدمات تجربه کرد. رشد ارزش صادرات جهانی کالاها و خدمات در سال ۱۹۹۹ به ترتیب ۴ و ۱/۵ درصد بود.

تجارت کالا

در سال ۲۰۰۰ از لحاظ ارزشی، سوخت و تجهیزات اداری و مخابراتی بالاترین رشد را در تجارت کالایی داشتند. بخش اطلاعات و مخابرات یکی از پویاترین بخشها بود که افزایش تولید، سرمایه‌گذاری و تجارت را باعث شد. فروش جهانی نیمه‌هادیها با ۳۷ درصد رشد به ۲۰۴ میلیارد دلار رسید و فروش تلفن‌های همراه بالغ بر ۴۱۰ میلیون واحد شد که نسبت به ۱۹۹۹، ۴۶ درصد رشد داشت. فروش کامپیوترهای شخصی تقریباً ۱۵ درصد رشد داشت و به ۱۳۵ میلیون واحد رسید. تولید جهانی اتومبیل با ۳/۵ درصد رشد از مرز ۵۷/۶ میلیون واحد گذشت و صادرات آن با ۸ درصد رشد به حدود ۲۴ میلیون واحد رسید.

هفت کشور پیشرفته صنعتی، سهمی معادل ۴۶ درصد صادرات جهانی و ۴۹ درصد واردات جهانی کالا را به خود اختصاص دادند.

در میان مناطق مختلف جهان، آسیا و کشورهای با اقتصاد در حال گذار، بالاترین رشد را در حجم تجارت کالا (حول و حوش ۱۵ درصد) در سال ۲۰۰۰ تجربه کردند. در مورد کشورهای با اقتصاد در حال گذار، علت این رشد، عمدتاً به بهبود وضعیت تولید به‌ویژه در روسیه برمی‌گردد.

تحولات تجاری جهان در سال ۲۰۰۰

ترجمه و تلخیص: محمد حسین حکیمیان
منبع: گزارش سالانه ۲۰۰۱ سازمان جهانی تجارت

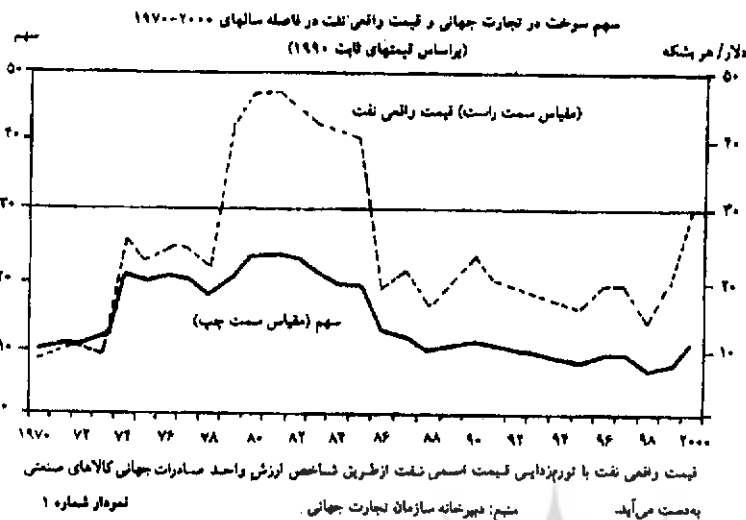


جهان در سال ۲۰۰۰ در مقایسه با دهه ۹۰ شاهد بالاترین رشد در تجارت و تولید بود.

هفت کشور پیشرفته صنعتی سهمی معادل ۴۶ درصد صادرات جهانی و ۴۹ درصد واردات جهانی کالا را به خود اختصاص دادند.

در میان مناطق مختلف جهان، آسیا و کشورهای با اقتصاد در حال گذار بالاترین رشد را در حجم تجارت کالا در سال ۲۰۰۰ تجربه کردند.

تقریباً کلیه مناطق جهان رشد مثبتی را در صادرات و واردات خدمات داشتند بجز اروپای غربی که عمدتاً به دلیل کاهش ارزش یورو نرخهای رشد منفی را تجربه کرد.



سوم واردات خدمات در آسیا بود. در میان کشورهای در حال توسعه آسیایی که رشد دو رقمی صادرات و واردات خدمات را تجربه کردند، کشورهای چین، کره جنوبی، سنگاپور و تایوان را می‌توان نام برد. در فاصله سالهای ۱۹۹۰-۲۰۰۰، کشورهایی که از بالاترین رشد در صادرات و واردات خدمات (رشد دو رقمی) برخوردار بودند، کشورهای چین، کره جنوبی، هندوستان، ایرلند و مالزی را در بر می‌گرفت.

بازار نفت و تغییر قیمت محصولات

در سال ۲۰۰۰، قیمت‌های نفت پس از نوسانات زیاد طی سالهای اخیر و به دنبال افت شدید قیمت‌ها در سال ۱۹۹۸، از متوسط ۲۸ دلار در هر بشکه برخوردار شد که دوبرابر سطح قیمت‌ها طی سال ۱۹۹۸ بود. سهم سوخت در صادرات جهانی کالا از ۶/۵ درصد در سال ۱۹۹۸ (پایین‌ترین سهم طی سه دهه گذشته) به ۱۰/۵ درصد در سال ۲۰۰۰ رسید که بالاترین میزان طی ۱۲ سال گذشته بود. در حالی که بهبود قیمت‌های نفت در ۱۹۹۹ را می‌توان به کاهش هماهنگ تولید نفت مربوط دانست، اما دلایل افزایش قیمت در سال ۲۰۰۰ را به دلیل افزایش عرضه نسبت به تقاضا نمی‌توان در شرایط بازار جست. برخی تحلیلگران، علت را در تمجیل مصرف‌کنندگان به شکل پیش خرید و عدم تعادل در بازارهای سلف نفت می‌دانند که عمدتاً به دلیل پیش‌بینی‌های بیش از حد تقاضای نفت در اوایل سال ۲۰۰۰ تحت تاثیر دورنمای رشد بالای تولید ایجاد شده است. اقدامات موفق کشورهای تولیدکننده در کاهش و افزایش عرضه نفت و درک این موضوع که سهم کشورهای اوپک در تولید نفت نعام به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است (از ۳۰ درصد در سال ۱۹۸۵ به ۴۲ درصد در سال ۱۹۹۸) می‌تواند بر تمجیل مصرف‌کنندگان اثر داشته باشد. عدم تعادل‌های وسیع در بازارهای سلف نفت خام نیز به افزایش قیمت‌های نقدی کمک کرده است.

در سال ۲۰۰۰، قیمت‌های بالای نفت بین هر بشکه ۲۲ تا ۳۲ دلار یا پیش‌بینی‌های میان‌مدت قیمت نفت ستفایت شدید داشت. فرض این پیش‌بینی‌ها معقول به نظر می‌رسید چرا که قیمت واقعی نفت در فاصله ۹۷-۱۹۸۶ حول و حوش ۱۵ تا ۲۰ دلار بود و حتی در فاصله ۹۷-۱۹۹۰ روند نزولی اندکی را نشان می‌داد.

عوامل گوناگونی در بازار انرژی به انتظار قیمت‌های پایین نفت در میان‌مدت دامن می‌زد. اول اینکه، سهم نفت در مصرف جهانی انرژی به طور قابل ملاحظه‌ای نسبت به اوج آن در اوایل ۸۰ تنزل کرد. با وجود اینکه نفت، سوخت اصلی به شمار می‌رود و در سالهای اخیر ۴۰ درصد کل تولید انرژی را به خود اختصاص می‌داد، سهم گاز طبیعی، زغال سنگ و انرژی اتمی در تولید جهانی انرژی افزایش یافته بود. دوم اینکه، مناطق مختلف جهان، سهم نفت وارداتی در مصرف انرژی خود را با گسترش تولید داخلی انرژی کاهش دادند. سوم اینکه، نوآوری‌های تکنولوژیک، هزینه‌های اکتشاف و استخراج نفت را تقلیل داده بود. به علاوه، رویدادهایی خارج از بازار انرژی از جمله تغییر در تولید جهانی در اثر رشد بخش خدمات کم انرژی، بر تولید کاهش اهمیت انرژی در رشد اقتصادی جهان در آینده را می‌داد. رشد چشمگیر بخش اطلاعات و مخابرات در سالهای اخیر به شتاب این روند کمک می‌کرد.

نفت، ۸۰ درصد تجارت بین‌المللی سوخت را تشکیل می‌دهد، تقریباً در برابر سهم آن در مصرف جهانی انرژی. هزینه‌های پایین حمل‌ونقل و سرمایه‌گذاری محدود در زیرساختها به سهم بیشتر نفت در تجارت نسبت به تولید (در میان سایر سوختها) کمک کرد. با این حال سهم گاز طی ۱۵ سال گذشته، افزایش و سهم نفت و زغال سنگ تا حدی کاهش یافت. در نیمه دوم دهه ۹۰، آسیا به عنوان بزرگترین منطقه‌ای که

از خالص واردات سوخت برخوردار است، جایگزین اروپای غربی شد. سهم خالص واردات در تجارت جهانی سوخت در میان کشورهای در حال توسعه آسیایی از کمتر از ۲ درصد در سال ۱۹۹۰ به تقریباً ۷ درصد در ۱۹۹۹ افزایش یافت. حدود دو سوم ۳۰ کشور صادرکننده سهم سوخت در حال توسعه هستند. در ۱۹۹۹، صادرات سوخت بیش از دو سوم صادرات کالا در حداقل ۱۴ کشور را تشکیل می‌داد و ۸ کشور نیز سهمی بین یک سوم تا ۶۰ درصد داشتند.

مطابق گزارش سال ۲۰۰۰ آژانس بین‌المللی انرژی تحت عنوان «دورنمای جهانی انرژی»، در ۱۰ سال آینده این روندها در تجارت بین‌المللی سوخت مشاهده خواهند شد. اول اینکه، احتمال دارد سهم نفت وارداتی در کل مصرف انرژی در مناطق عمده که از خالص واردات انرژی برخوردار هستند (آسیا به طور مشخص چین و هند، اروپای غربی و آمریکای شمالی) افزایش یابد. دوم اینکه، عرضه‌کنندگان عمده نفت به طور مشخص خاورمیانه، این افزایش را تأمین می‌کنند. پویاترین رشد تجارت بین خاورمیانه و آسیا خواهد بود. سوم اینکه، تجارت گاز به شدت گسترش می‌یابد به خصوص در اروپا و آسیا (مانند دهه ۹۰). صادرات گاز از روسیه به اروپای غربی و تجارت در درون کشورهای اروپای غربی از دلایل رشد در اروپا است. همچنین واردات گاز طبیعی صایح از خاورمیانه به شدت افزایش می‌یابد. چهارم اینکه، تجارت جهانی در زغال

آمریکای شمالی و اقتصادهای درحال گذار، حداقل ۵ درصد رشد داشتند درحالی که سایر مناطق رشدی بین ۲-۳ درصد داشتند.

در سال ۲۰۰۱ کلیه مناطق جهان تحت تاثیر قرار خواهند گرفت. رشد تولید ناخالص داخلی در مناطق آمریکای شمالی، اقتصادهای درحال گذار و کشورهای در حال توسعه آسیای شرقی بجز چین کاسته خواهد شد. به نظر نمی رسد وضعیت شکننده اقتصاد ژاپن بهبود یابد. براساس پیش بینی های صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی انتظار می رود نرخهای رشد در اروپای غربی و آمریکای لاتین تا حدود نیم درصد کاهش یابد.

گسترش فعالیتها در اقتصاد آمریکا، عنصر کلیدی است نه صرفاً به خاطر وزن آن در تولید و تجارت جهانی، بلکه همچنین به خاطر نقش رهبری آن در اقتصاد جدید (اقتصاد اطلاعاتی) است. طی پنج سال گذشته، افزایش سرمایه گذاری آمریکا تا حد زیادی از سرمایه گذاری بر روی تجهیزات تکنولوژی اطلاعات و نرم افزارها ناشی می شد.

کاهش فعالیت در آمریکا، رشد واردات را کاهش می دهد که این موضوع مستقیماً بر صادرات ۲۰ کشور تاثیر می گذارد که سهم صادرات آنها به آمریکا در صادرات کالایی خود بیش از یک سوم است. کانادا و مکزیک به طور مشخص نگران هستند چون صادرات آنها به آمریکا، ۸۵ درصد کل صادرات کالایی آنها را تشکیل می دهد. بسیاری از کشورهای آمریکای مرکزی و حوزه کارائیب و همچنین برخی کشورهای آسیایی، شدیداً به بازارهای آمریکا اتکال دارند. سهم واردات آمریکا در تجارت جهانی برای محصولاتی چون تجهیزات اداری و مخابراتی، خودرو و پوشاک بسیار مهم است.

در ماههای اخیر، چشم انداز تجارت جهانی بیشتر نگران کننده شده است. انتظار می رود حجم تجارت جهانی کالا، ۷ درصد رشد کند که در مقایسه با نرخ ۱۲ درصد سال ۲۰۰۰، کاهش قابل توجهی است. ممکن است رشد فعالیتهای

اقتصادی و تجاری در اروپای غربی که سهمی معادل ۲۰ درصد در تجارت جهانی دارد، باعث گردد تا تجارت جهانی با نرخ بیش از ۷ درصد رشد کند. □

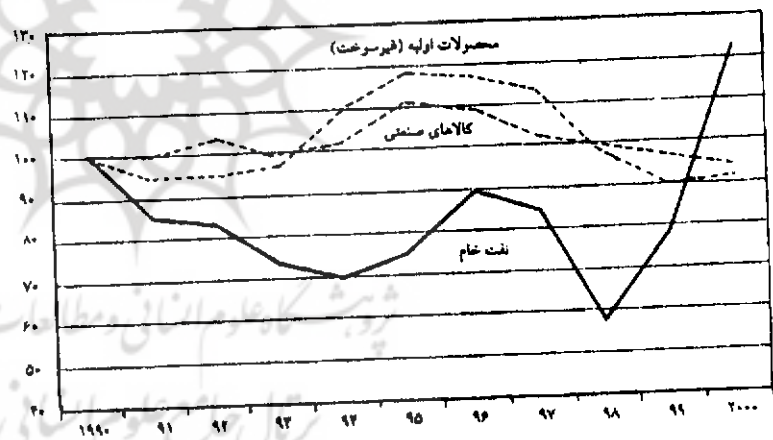
از ۲۰ درصد پایین تر از اوج آن در سال ۱۹۹۵ و تقریباً ۱۰ درصد پایین تر از سالهای اولیه دهه ۹۰ رساند. در مجموع، کاهش قیمت کالاهای صنعتی و محصولات اولیه (غیرسوخت) به همراه افزایش قیمتهای سوخت باعث شد تا در فاصله سالهای ۱۹۹۰-۲۰۰۰، متوسط قیمتها یک درصد کاهش یابد. از لحاظ تاریخی، عملکرد خوبی است چرا که حتی در دهه ۵۰ و ۶۰، قیمتهای بین المللی از افزایش اندکی برخوردار بودند. یکی از تفاوت های عمده در دهه ۹۰ نسبت به دهه های قبل، کاهش قیمت دلاری کالاهای صنعتی بود.

در ۱۹۹۹، صادرات سوخت بیش از ۲۰ درصد درآمدهای ناشی از صادرات کالا را در ۳۰ کشور تشکیل می داد و تقریباً در نیمی از این کشورها، سهم آن به دو سوم صادرات کالایی آنها افزایش یافت. سهم کشورهای در حال توسعه در تجارت جهانی کالا به دلیل افزایش قیمت سوخت در سال ۲۰۰۰ به بیش از ۳۰ درصد رسید که از سال ۱۹۵۰ بالاترین

سنگ بعید است به سرعت گسترش یابد. انتظار می رود واردات زغال سنگ آسیا افزایش یابد ضمن اینکه واردات اروپای غربی کاهش خواهد یافت. پنجم اینکه، احتمال دارد تجارت الکترونیسته بین مناطق جهان به طرز محسوسی افزایش یابد و علت آن عمدتاً آزادسازی بازارهای ملی در اتحادیه اروپا و یکپارچگی شبکه های برق در اروپا است.

قیمت کالاهای مورد مبادله بین المللی در سال ۲۰۰۰، تقریباً نسبت به سال قبل تغییری نداشت. قیمتهای بسیار بالای نفت با کاهش قیمت کالاهای صنعتی جبران شد که باعث گردید سطح قیمتها به پایین ترین سطح در ۱۰ سال گذشته برسد. دلایل این موضوع، یکی آن است که سهم تجهیزات اداری و مخابراتی در صادرات جهانی کالاهای صنعتی افزایش یافت و قیمتهای آنها به طرز محسوسی در دهه ۹۰ کاهش یافت. دلیل دیگر، افزایش ارزش دلار در سالهای اخیر بود که به کاهش قیمت دلاری کالاهایی

تغییرات قیمت در تجارت بین الملل در فاصله ۱۹۹۰-۲۰۰۰ (شاخص ۱۰۰=۱۹۹۰)



منظور از کالاهای صنعتی، شاخص فروش واحد است.

منابع: برآوردهای واحد شمار صندوق بین المللی پول و دبیرخانه سازمان جهانی تجارت

شماره ۲

سطح خود را دارا بوده است. چشم انداز

در سال ۲۰۰۰، اکثر مناطق جهان از رشد فعالیتهای اقتصادی خوبی برخوردار بودند که به سبب تویین رشد جهانی محصول در دهه قبل انجامید. آمریکای شمالی، اقتصادهای درحال گذار و اروپای غربی بهترین رشد تولید ناخالص داخلی را در سال ۲۰۰۰ طی دهه قبل داشتند.

انجامد که تقریباً با قیمتهای ثابت در کشورهای که ارزش پول آنها کاهش یافته بود، مبادله می شد.

قیمت کالاهای اولیه (غیرسوخت) در سال ۲۰۰۰، اندکی افزایش یافت و بهبود قیمت فلزات و قیمتهای بالاتر مواد اولیه کشاورزی با کاهش قیمت آشامیدنیها و خوراکیها همراه بود، به طوری که سطح قیمتهای این نوع محصولات را به بیش